# پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره ۳۱-سال دوم دوشنبه ۲۶ عقرب ۴۸ -۱۷ نومبر ۶۹، شماره مسلسل (۸۲)


**تاوده درودونه د ویتنام په زړورو خلکو چه د آزادی او خپلواکۍ په خاطر د امریکی د امپریالیزم د تیری په مقابل کی قهرمانانه جنګیږی!**

**تاوده درودونه وی په هغو خلکو چه د استعمار زنخیرونه شلولی دی او د خیل حاکمیت د تحکیم او د اجتماعی مترقی ودی په خاطر مبارزه کوی!**

**له شوره ډک درودونه د عربو په خلکو چه د امپریالیزم او اسراییلو د تیری په مقابل کی زړه ور مبارزه کوی!**

# باید موانع از سر راه تشکیل مستقل

## احزاب رفع گردد!

در سال اخیر دوره دوازدهم شورای قانون احزاب از طرف هردو مجلس شوری تصویب گردید. از آنجائی که در همین هنگام قانون ضد دموکراتیک پوهنتون ها که جوانان و محصلان را از شرکت در حیات سیاسی محروم می‌کرد، با عکس‌العمل جدی نیروهای ملی و ترقی خواه کشور و موج عظیم اعتصابات و تظاهرات شاگردان و محصلان مواجه شد و در اثر این فشار قانون مزبور که به‌وسیله فرمان تقنینی نافذ گردیده بود، از طرف ولسی‌جرگه لغو گردید. این امر در مورد قانون احزاب نیز تأثیر بخشید. در اثر پیشنهادی، ماده واحده قانون احزاب بار دیگر در ولسی‌جرگه مطرح و سن قانونی شمول در حزب از ۲۵ به ۲۰ پائین آورده شد و غرض طی مراحل قانونی به مشرانوجرگه سپرده شد.

ضرورت جدی است که باید قانون احزاب هر چه زودتر تصویب و به مرحله اجرا گذاشته شود، زیرا در شرایط کنونی مردم تنها از طریق احزاب و سازمان‌های دموکراتیک و توده‌ای در مسایل حیاتی کشور می‌توانند سهم فعال بگیرند.

ادعای «دموکراسی» در یک جامعه طبقاتی بدون ایجاد مستقل احزاب و سازمان‌های سیاسی که نمایندگی از طبقات مختلف می‌نمایند جز مانور عوام‌فریبانه چیز دیگری نیست. در قانون اساسی افغانستان برخی از حقوق و آزادی‌های مردم و من‌جمله تشکیل اجتماعات و احزاب به رسمیت شناخته شده است. ولی در عمل از طرف هیأت حاکمه کشور به بهانه‌های گوناگون از تحقق این اصل (تشکیل مستقل احزاب) سرباز زده میشود. بیشتر از یک دوره کامل تقنینیه پس از انفاذ قانون اساسی جدید میگذرد و اما تا حال عرض تطبیق ماده سی و دوم قانون اساسی که معوق به قانون فرعی دیگری گردیده است، اقدام جدی و اساسی صورت نگرفت. از لحاظ پرنسیپ ایجاد محدودیت‌ها و تعلل در راه تشکیل

(ص ۳)

# انجام اصلاحات دموکراتیک

## ارضی و صنعتی کردن کشور مسأله حیاتی کشور ماست

معلوم است که کشور ما از لحاظ رشد اقتصادی سخت عقب مانده است، در حالی که از احراز استقلال سیاسی کشور پنجاه و یک سال میگذرد، لیکن منابع سرشار طبیعی ما همچنان بلا استفاده باقی مانده است و آهنگ رشد اقتصادی کشور بطور وحشتناکی کند است. رشد نسبی‌ای که در اثر تطبیق دو پلان پنج‌ساله اول و دوم در اقتصاد کشور پدیدار شد، به علت سلطه عوامل فیودالی و نو استعماری و کارشکنی‌های گوناگون در دستگاه دولت متوقف گردید، طوری که کنون آهنگ متوسط رشد سالانه طبق تخمینات در حدود ۲/۷ فیصد بوده و حد متوسط افزایش سالانه در عاید ملی ۱/۵ فیصد است. در حالی که تنها میزان افزایش نفوس در سال بالغ بر ۲/۵ فیصد میگردد.

علت عمده کندی رشد اقتصادی افغانستان قلت میزان پس انداز داخلی به‌منظور تامین سرمایه گذاری می‌باشد. عدم تمرکز سرمایه داخلی به علت رسوخ قوی سرمایه تجاری امپریالیستی در اقتصاد ناتوان کشور و نقش طبقات و قشرهای ارتجاعی جامعه در توزیع غیرعادلانه عاید ملی مانع تسریع آهنگ رشد اقتصادی کشور میگردد.

سیاست اقتصادی نادرست حکومات افغانستان که نقش ارتجاعی را در امر حفظ وابستگی اقتصادی کشور ما تا حدود زیادی به کشورهای سرمایه داری بازی نموده موجب تضعیف بنیه مالی آن گردیده است. همچنین توزیع غیرعادلانه عاید ملی که در نتیجه آن از یکسو فقر روزافزون توده‌های وسیع مردم کشور تشدید میگردد و از سوی دیگر قسمت اعظم عاید و تولید ملی بنابر مصارف تجملی قشرهای ثروتمند و مصارف غیر تولیدی به هدر می‌رود، موجب نازل بودن سطح پس انداز داخلی در کشور میگردد.

در حالی که با اتخاذ روشی سالم در زمینه اقتصاد کشور کاملاً میسر است. از یکسو با کاستن مصارف زیاد دولتی و وضع مالیات‌های عادلانه و استفاده صحیح و به نفع مردم از منابع ملی مبالغ هنگفتی را برای سرمایه گذاری صرفه جویی کرد و از سوی دیگر از طریق کمک‌های خارجی که فاقد هرگونه شرایط سیاسی باشد رشد نسبی اقتصاد کشور را تامین نمود.

کشور عقب مانده‌ای چون افغانستان که در نتیجه محدود بودن امکانات مالی و تمرکز سرمایه نمی‌تواند از ایجاد و تعمیم بخش عامه اقتصاد و دریافت کمک‌های مساعد اقتصادی و فنی خارجی اصولاً صرف نظر نماید. ولی هیأت حاکمه و محافل حاکمه ارتجاعی کشور زیرکانه تلاش می‌ورزند تا با تضعیف بخش عامه اقتصاد راه را بر طریق مترقی تکامل غیر سرمایه داری که دورنمای سوسیالیستی را می‌گشاید به بندند. شرایط و امتیازات همه‌جانبه‌ای را برای سرمایه‌های امپریالیستی آماده سازند، آمیزش سرمایه‌های امپریالیستی را با سرمایه‌های خصوصی داخلی تشویق نمایند و بدین طریق کشور را در جهت وابستگی با امپریالیزم سوق دهند. در عمل می‌توان مشاهده کرد که این‌گونه تلاش‌ها کشور را با رکود و بحران اقتصادی مواجه ساخته است.

راه خروج از این وضع به‌موازات مبارزه به خاطر تامین دموکراسی در کشور مبارزه برای به وجود آوردن رستاخیز ملی، ایجاد تحولی اساسی در جامعه، انجام اصلاحات عمیق اجتماعی و اقتصادی به‌منظور پایان بخشیدن به عقب ماندگی کشور است. در مرکز ثقل چنین مبارزه به خاطر ایجاد یک اقتصاد ملی شگوفان متکی بر خود و تامین استقلال اقتصادی کشور دو مسأله حیاتی:

**اجرای اصلاحات دموکراتیک ارضی و صنعتی ساختن کشور قرار دارد.**

**(ب. ک.)**

# برای توسعه مؤسسات تعلیمی هیچ اقدام اساسی

## صورت نگرفته است

در یکی از محافل به اشتراک رونه ماهو مدیر عمومی یونسکو که اخیراً وارد افغانستان گردیده بود، بناعلی دوکتور محمد اکرم وزیر معارف ادعا کرد که: «حکومت افغانستان از سال‌های متمادی به این‌سو مساعی اعظمی خود را برای توسعه مؤسسات تعلیمی صرف کرده.»

قابل توجه است که با وصف صرف «مساعی اعظمی» حکومات افغانستان طی سالیان متمادی بازهم مجموع تعداد شاگردان و محصلان کشور فقط به ۵۴۶ هزار نفر در ۱۶ میلیون نفوس آن بالغ میشود که از جمله ۵۴۴۵ نفر آن را محصلان مشمول پوهنتون کابل، پوهنتون ننگرهار پولی تخنیک، انستیتوت اداره صنعت و دارالمعلمین عالی تشکیل می‌دهند. به تعداد ۹۲۹۹۷ نفر به حیث شاگردان مکاتب دهاتی شامل رقم بالا است که اسما شاگرد شمرده شده‌اند. در صورتی که یک ربع نفوس اعم از ذکور و اناث یعنی از هر چهار نفر یک نفر از جمعیت کشور را آماده شمول به مکاتب و مؤسسات تعلیمات عالی حساب نماییم، چهار میلیون انسان کشور باید هم اکنون مشغول تحصیل می‌بودند: در حالی که فقط ۵۴۶ هزار نفر مجال تحصیل (!) را دارند.

مجموع مکاتب در افغانستان بالغ بر ۲۶۲۸ باب میگردد که بطور متوسط هریک در حدود ۲۰۵ شاگرد می‌تواند داشته باشد. باید در نظر داشت که از جمله ۲۶۲۸ باب مکتب ۱۳۵۹ باب آن مکاتب دهاتی است که در آن‌ها نه درس، نه معلم و نه مواد درسی وجود دارد و فقط به غرض تبلیغاتی اسم مکتب روی آن‌ها گذاشته شده است که با در نظر گرفتن این حقیقت در واقع ۴۵۳ هزار شاگرد موجود است نه ۵۴۶ هزار و ۱۲۷۹ باب مکتب اعم از مکاتب مسلکی، لیسه ها و مکاتب متوسطه وجود دارد، نه ۲۶۲۸ باب.

محاسبه بسیار ساده بالا بر روی ارقام رسمی گویاتر از هر استدلالی است دال بر اثبات بی‌پایگی ادعاهای دور از واقع در زمینه توسعه معارف و مؤسسات تعلیمی.

در این صورت حکومات افغانستان طبق ادعایی که به عمل آمده است طی سال‌های متمادی و با «صرف مساعی اعظمی» فقط برای کمتر از ۱۲ فیصد از کسانی که آماده شمول به مکاتب و مؤسسات تعلیمات عالی‌اند زمینه آموزش را (آن‌هم نه به معنی واقعی آن) به‌اصطلاح فراهم کرده است. سیستم معارف و مواد درسی کهنه است پس معلوم است که حکومات افغانستان با وصف «مساعی اعظمی» خویش درین زمینه مطلقاً ناکام‌اند و طی سالیان متمادی فیصدی کوچکی از اهالی کشور را نتوانسته‌اند باسواد بسازند. در حالی که تحت رهبری حکومات ملی و مترقی در عده‌یی از کشورها در شرایط کنونی جهان بی‌سوادی ظرف چند سال محدود و حتی یک سال بر طبق یک پروگرام مترقی علما تنظیم شده از کشورهای مزبور محو گردیده است.

ضرورت حکم مینماید که در جامعه ما یک تحول فرهنگی به وجود آید و معارف و فرهنگ ملی، مترقی و نوین ایجاد و رشد و تکامل نماید.

**ناصر گفت:**

**دوستان ما کسانی اند که بما کمک می‌کنند و اسلحه می‌دهند و دشمنان ما کسانی اند که بدست اسراییل اسلحه می‌دهند و آن را جهت حمله بر ما تحریک می‌کنند**

جمال عبدالناصر رییس جمهور جمهوریت متحد عرب در بیانیه بزرگ و تاریخی که حین افتتاح دومین دوره اجلاسیه اسامبله ملی آن کشور ایراد نمود دوستان و دشمنان عرب‌ها را مشخص ساخت.

ناصر در بیانیه خود سیاست آمریکا را در شرق میانه مورد حمله شدید قرار داده اظهار داشت: کمک‌های نظامی و اقتصادی که ایالات متحده آمریکا به اسراییل می‌نماید نه تنها حل بحران شرق میانه را به تعویق می‌اندازد،

(ص ۳)

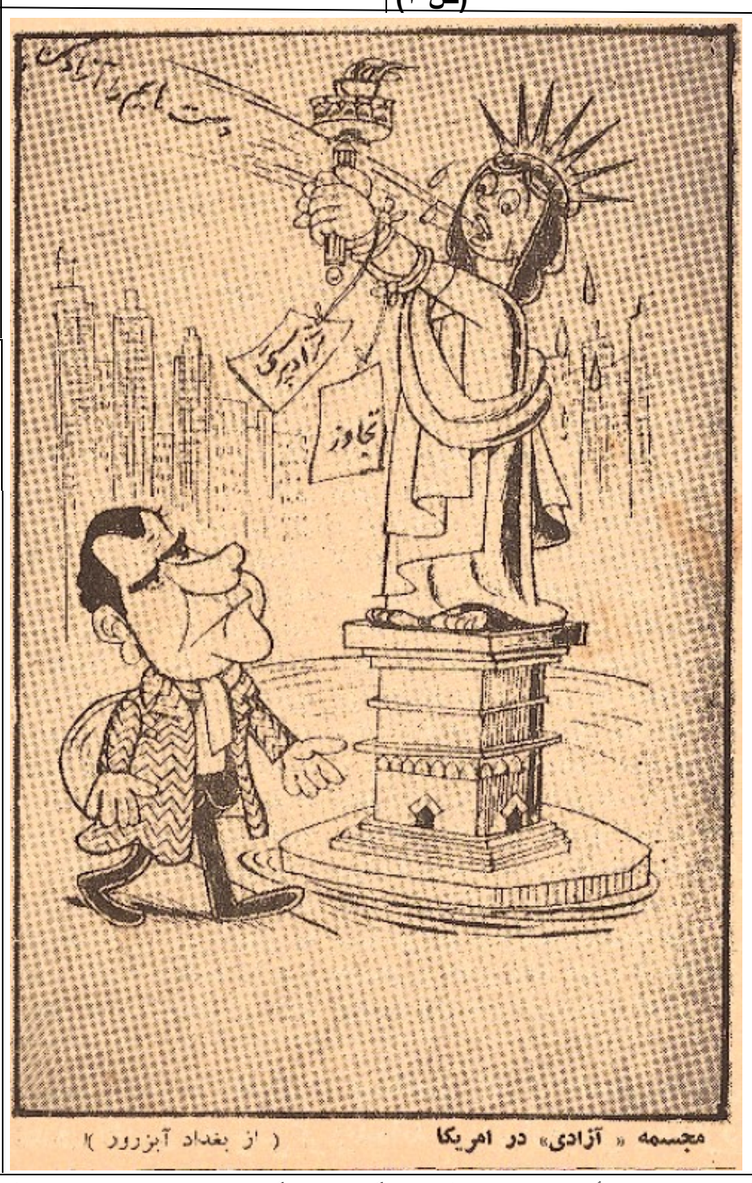
# پنجاه و دومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

**پنجاه و دو سال قبل به تاریخ ۷ نوامبر (۲۵ اکتبر بر اساس جنتری معموله در روسیه تزاری) ۱۹۱۷ پرولتاریای روسیه به اتحاد دهقانان تحت رهبری حزب قهرمان خود و در راس آن لنین بزرگ به پیروزی شگرفی، پیروزی تاریخی-جهانی نایل گردید و حکومت شوروی را در یک ششم کره زمین بنیاد نهاد. به انجام انقلاب اکتبر تاریخ در آستانه عصر نوین – عصر گزار از سرمایه داری به سوسیالیزم وارد گردید. انقلاب اکتبر راه را بر روی بشریت به‌سوی جامعه نوین، جامعه سوسیالیستی گشود، به حاکمیت بلامنازع امپریالیزم در جهان خاتمه داد و جهان را به دو سیستم متضاد – سرمایه داری و سوسیالیزم تقسیم کرد که در نتیجه آن به تمام جریان تاریخ تغییر وارد آمد. درین مورد لنین نوشت: «...ما حق داریم افتخار داشته باشیم و افتخار داریم که فرصت نیک با ما یاری کرد تا ساختمان یک دولت شوروی را آغاز نماییم و بدین وسیله در تاریخ جهان به دوران جدیدی داخل شویم. دوران حاکمیت طبقه جدید، طبقه‌ای که در هر کشور سرمایه داری تحت ستم است، اما در همه جا به‌پیش به‌سوی یک زندگی نو در پیشرفت است، به‌سوی دکتاتوری پرولتاریا، به‌سوی رهایی بشریت از یوغ سرمایه و از جنگ‌های امپریالیستی.»**

**کارگران و دهقانان روسیه در تحت رهبری حزب مکتب دشوار مبارزه را قبل از انجام انقلاب اکتبر گذراندند.**

**ساختمان سوسیالیزم در اتحاد شوروی که با طی سختی‌های فراوان، مبارزات سرسخت و فداکاری‌های بی‌نظیر خلق و حزب کمونیست اتحاد شوروی انجام گردیده است، نتیجه انقلاب اکتبر و مهم‌ترین دست آورد**

(ص ۳)



مجسمه « آزادی» در امریکا ( از بغداد آبزرور )

# چگونه کوپراتیف‌های مالداری

## و زراعتی!

به سلسله اخبار تبلیغاتی مربوط به تأسیس «کوپراتیف‌های مالداری و زراعتی» در کشور، اخیراً تأسیس یک «کوپراتیف مالداری» به سرمایه ابتدایی پنج میلیون افغانی به‌منظور «پرورش و تربیه بهتر مواشی و برای تقویه مالداران» اطلاع داده شد.

تجربه نشان داده است که هدف از تشکیل چنین مؤسسات بنام «کوپراتیفهای مالداری و زراعتی» در کشور جز انحصار امور مالداری در چند دست محدود متنفذین محلی و تشدید درجه استثمار دهقانان چیزی نیست.

زیرا مولدین واقعی و تربیه کنندگان مواشی نه تنها در چنین «کوپراتیف‌ها» سهمی ندارند، بلکه به‌وسیله آن‌ها استثمار می‌گردند. لهذا نمی‌توانند برای تقویه مالداری و یا ارتقای سطح تولید زراعتی به پیمانه وسیع علاقه نگیرند. جای تعجب است که چگونه می‌توان کوپراتیف‌های زراعتی را بدون انجام اصلاحات دموکراتیک ارضی و بدون اشتراک دهقانان تشکیل کرد و آنگاه ادعا نمود که بدین‌وسیله سطح محصولات زراعتی بالا برده میشود.

ایجاد کوپراتیفهای مالداری به اشتراک مستقیم دام پروران و مالداران کوچک و به نفع ایشان و کوپراتیف‌های زراعتی بر پایه اصلاحات دموکراتیک ارضی به اشتراک دهقانان و به نفع ایشان امری مفید و ضروری است، نه ایجاد شرکت‌های انحصاری به سرمایه گذاری مالداران بزرگ و ملاکین بزرگ بنام کوپراتیف که هدف از آن فقط سو استفاده و سودجویی است.

# برچیده شدن پایگاه‌های نظامی

## از لیبیا خواست عمده مردم لیبیا است

صدر شورای انقلابی لیبیا اظهار داشت که هدف انقلاب تامین آزادی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خلق و آزاد ساختن آن‌ها از استثمار، فقر، عقب ماندگی و بیماری می‌باشد.

و این اهداف در شرایط اشغال لیبیا برآورده شده نمی‌تواند. او گفت که برچیده شدن پایگاه‌های نظامی از خاک لیبیا خواست عمده مرددم است. ما از تصادم اجتناب می‌ورزیم لهذا در اول از وسایل مسالمت آمیز برای رسیدن به این هدف استفاده می‌کنیم ولی اگر ضرورت ایجاب کند مردم لیبیا اسلحه بدست خواهند گرفت و از سرزمین خود دفاع خواهند کرد.

**امروز (دوشنبه ۲۷ عقرب) حکومت موظف بناعلی نور احمد اعتمادی برای کسب رأی اعتماد به ولسی‌جرگه حاضر گردید و عده‌یی از وکلای ولسی‌جرگه بر اساس قرعه در باره حکومت و خط مشی آن سخن گفتند.**

**ببرک کارمل وکیل کابل در نوبت خود از جانب سازمان سیاسی دموکراتیک خلق افغانستان سخنرانی کرد که متن کامل آن را به زبان‌های پشتو و دری در شماره آینده تقدیم خواهیم کرد.**

# اجتماعی شعور او د هغه رول

مور تر اوسه پوری د اجتماعی شعور د ماهیت او د ټولنی په تکامل کی د هغه د اهمیت په باره کی خبری وکړی. اوس د هغه په راز راز شکلونو باندی غږیږو او دا کار له سیاسی او حقوقی افکارو نه شروع کوو چه د هغوی رول خاصتا په اجتماعی ژوند کی اهمیت لری.

## ۳- سیاسی او حقوقی افکار

**سیاست او سیاسی روابط**

ترهرڅه د مخه د طبقاتو او پر ټولنی باندی د قدرت او تسلط پیداکولو لپاره د طبقاتو د مبارزی ترمینځ روابط دی، سربیره پر دی د دولتونو او ملتونو ترمینځ مناسبات د سیاست په دنیا پوری مربوط دی. سیاست د طبقاتو او طبقاتی مبارزی او دولت پیدایښت سره را پیدا شو.

سیاست د یو دولت په فعالیت کی د دی فعالیت عمده لوری (جهت) دی.

سیاست د طبقاتو تر مینځ د روابطو په حیث، د ټولنی له اقتصادی ساختمان، له زیربنا نه زیږی. د سیاست منشا او د ټولنی له اقتصادی ساختمان سره د هغه نه شلیدونکی رابطه روښانه شویده. سیاست د اقتصاد د متراکم بیان او د هغه د تعمیم او پای په حیث تعریف شویدی. بیا په تیره په سیاست کی دی چه د طبقاتو اقتصادی منافع په کامله او هرارخیزه توګه بیانیږی.

مګر سیاست چه له اقتصاد نه زیږی پخپل وار پر اقتصاد او د اجتماعی تکامل په ټول جریان ستر تأثیر لری. د اقتصاد رشد د اجتماعی نظام تحول برابروی خو سره له دی دا تحول د خلکو آګاهانه فعالیت نتیجه ده، داسی فعالییت چه سیاست د هغه لارښود دی. سیاست نشی کولای چه پر اقتصاد وړاندی نشی او دا پدی معنی ده چ اقتصادی او تولیدی وظیفو ته باید د سیاسی او طبقاتی له نقطه نظره نږدی شو. بی له سم سیاسی برخورد نه یوه معینه طبقه نشی کولای حکومت پخپل لاس کی وساتی او بنا پردی نشی کولای خپله تولیدی وظیفه هم سر ته ورسوی.

د سیاسی افکار او د هغوی اهمیت:

د انسانانو سیاسی افکار او نظریات له سیاست سره نیږدی رابطه لری. که سیاست د طبقاتو ملتونو او دولتونو مناسبات مشخص کوی، نو سیاسی افکار دا مناسبات منعکسوی او د هغوی پایه ږدی.

د طبقاتی مبارزی او انقلاب په مورد کی، د دولتی او اجتماعی ساختمان په مورد کی، د ملتونو او دولتونو تر مینځ د مناسباتو په مورد کی، د سولی او جګړی د مسایلو په مورد کی د دغی یا هغی طبقی نظریات گرد سره سیاسی افکار شمیرل کیږی.

دا نظریات د طبقاتو په مستقیمه مبارزه کی، د دولت او حزبونو او نورو سیاسی سازمانونو او موسسو په فعالیت کی، د اجرا مرحلی ته ننوزی.

سیاسی افکار د دولتونو په اساسی قوانینو کی، او د نورو حزبونو او سیاسی سازمانونو په پروګرامونو او اعلامیو کی، په تیوریکو آثارو او نورو اسنادو کی منعکسیږی.

په هغو ټولنو کی چه په متخاصمو طبقاتو ویشل شویدی، د سیاسی افکارو خصلت پدی پوری تړلی دی چه د افکار د کومی طبقی د ګټو بیانوونکی دی، استعماروونکی طبقه غواړی چه د سیاسی افکارو په مرسته د خپل حاکم و مسلط موقعیت بنسټ ودروی او خپله اقتصادی زیربنا پیاوړی کړی. همدا د هغی د افکارو خصلت ټاکی. مګر استعماریدونکی طبقه پخپلو سیاسی افکارو کی دا استثماری نظام د ورکو کولو د لزوم او د بی استثماره نوی ټولنی د هستولو بنسټ ږدی. د استثماریدونکو سیاسی ایدیالوژی د انقلابی مبارزی ایدیالوژی د زاړه د نړولو او د نوی هستولو ایدیولوژی ده.

په اوسنی حال کی په نړۍ کی دوه متضادی ایدیولوژی یعنی د کارګرو د طبقی ایدیولوژی او بورژوازی ایدیالوژی سره په مبارزه کی دی. د کارګرو د طبقی سیاسی ایدیولوژی د پرولتاری انترنشنلیزم ایدیالوژی، د ټولو هیوادونو د زیارایستونکو د دوستی ایدیالوژی، د سولی، دموکراسی او سوسیالیزم لپاره د ټولو مترقی قوتونو د یووالی او مرستی مشترکه مبارزه ده. د علمی جهانبینی (علمی نړۍ لید) په تیوری کی ددی ایدیالوژی هرارخیز او کامل بیان د مترقی حزبونوپه پروګرامونو او د سوسیالیستی هیوادونو په اساسی قوانینو کی لیدل کیږی. دا ایدیولوژی د کارګرو د طبقی د طبقاتی مبارزی او د سوسیالیزم او ... د کامیابی د لزوم بنسټ ږدی او په سیاسی مبارزه یعنی د طبقاتی مبارزی په عالیترین شکل کی د کارګرو د طبقی او د هغی د سیاسی حزب لارښوونکی ده.

د کارګرو د طبقی سیاسی افکار او سیاست اجتماعی تکامل د قوانینو په پیژندنه باندی ولاړ دی. او د خلکو د پرګنو له ګټو سره بشپړ مطابقت لری. د تاریخ تجربه د مترقی نهضت د سترو کامیابیوچاره، حیرانوونکی قوت او د هغوی د ژوند قابلیت ښیی.

د کارګرو د طبقاتی د سیاسی افکارو په مقابل کی بورژوازی امپریالیستی سیاسی افکار واقع دی چه د هغوی هدف د سرمایه داری غلامی ساتل، د سرمایه داری نظام مقدس ښودل او د سرمایه داری ورستی اقتصادی زیربنا پیاوړی کول دی. د افکار، د کارګرو د طبقی ا د دموکراتیکو قوتونو د ځپلو سیاست په هیواد کی د ننه، د ملی اسارت سیاست او د نوی جهانی جګړی د تدارک بنسټ ږدی.

معمار ارتجاعی بورژوازی سیاسی افکار علمی جنبه نلری. هغوی د ټولنی د تکامل د عینی قوانینو سره، د خلکو له ګټو سره په تضاد کی دی او په همدی وجه د هغوی ماته حتمی ده. لکه څنګه چه د هیتلر افکار د نړۍ د تسلط دپاره ماته وخوړه، هماغه راز چه زمور د سترګو وړاندی استعماری ایدیولوژی او سیاست شړیږی ټول نور ارتجاعی بورژوازی امپریالیستی افکار به له ماته سره مخامخ شی.

سیاست او سیاسی افکار د اجتماعی شعور تر ټولو شکلونو اقتصادی زیربنا ته ډیر نږدی دی هغوی د دولت، حزبونو او نورو سیاسی سازمانانونو د فعالیت له لیاری پر زیربنا او د اجتماعی تکامل پر ټول جریان اغیزه کوی. بربیره پردی سیاست او سیاسی افکار په فعاله توګه د اجتماعی شعور د ټولو نورو اشکالو پر تکامل، حقوق، اخلاق، هنر، مذهب، فلسفه او علم باندی اغیزه کوی، په ټولو شکلونو کی نفوذ کوی او د هغوی د میعنی طبقی د هدفونو خدمت ته را کاږی.

**حقوق او حقوقی افکار:**

په ټولنه کی په سیاسی روابطو سربیره، حقوقی روابط شته دی چه حقوق د هغوی تنظیموونکی دی. حقوق په ټولنه کی د انسانانو د رفتار د واجب الاجرا موازینو او قواعدو مجموعه دهد. دا رسوم او قواعد په حقوقی قوانینو کی منعکس شوی دی چه د هغوی ځارنه ا اجبار او تربیت د ټولو وسایلو نه په استفادی د دولت په واک کی ده.

حقوق لکه سیاست د طبقاتو او دولت له پیدایښت سره مینځ ته راغی. حقوق چه په واقع کښی د حاکمه طبقی اراده ده او د قانون صورت یی غوره کړی، د دی طبقی د سیاسی او اقتصادی ګټو مدافع دی. د طبقاتی ټولنی تاریخ، بردګی حقوق، فیودالی حقوق او سرمایه داری حقوق په ځان لیدلی دی چی هر یویی د استعماریدونکو سره د مبارزی په خاطر د استثمارووونکو په خدمت کی دی. یواځی سوسیالیستی حقوق د زباایستونکو د پرګنو او د واقعی توده‌ای حقوقو بیانوونکی دی.

د انسانانو د حقوقو مناسبات د هغوی د حقوقی افکارو او نظریاتو به چه د انسانانو روابط د ټاکلی جامعی د حقوقو سره مشخصوی توپیر لری.

حقوقی افکار او نظریات د طبقاتی خصلت لرونکی او د دغی یا هغی طبقی د ګټو مبین دی په هغه ټولنه کی چه په متخاصمو طبقاتو ویشل شوی ده، د استعمارونکی طبقی حقوقی افکار، مسلط افکار دی. حاکمه طبقه د دی د پاره چه وکولای شی خپله اراده پر نورو طبقاتو باندی تحمیل کاندی، نه یواځی د دولتی دستګاه به بلکه له حقوقی افکارو ځخه هم استفاده کوی او د دی افکارو په مرسته، په جامعه کی جاری حقوق موجه ښیی. د هغوی طبقاتی خصلت پټوی او داسی ښیی چه دا حقوق د عدالت او خیر غوښتنی تر ټولو عالی مظهر دی.

مثلا سرمایه داری ټولنه به را واخلو. په دی ټولنه کښی بورژوازی حقوقی سیستم حکمفرما دی چه بورژووازی حقوقی افکار د هغی بنسټ ږدی، د دی افکارو هدف دا دی چه ثابته کړی چه ګواکی په تولنه کی تر بورژوازی حقوق زیات عادلانه حقوق نشی شته کیدلای. او ګواکی دا حقوق د دموکراسی تجسم دی او بورژوازی قضاوت د دغه یا هغه لوری نه نیستی او نور. په حقیقت کی بورژوازی حقوق د سرمایه داری په خدمت کی دی، د سرمایه داری مالکیت ساتنه او ځارنه کوی او د مترقی قوتونو د ځپلو او استثمار توجیه په غاړه لری.

د سوسیالیستی دولت له پیدایښت سره سوسیالیستی حقوق پیدا کیږی، هغه لومړنی حقوق چه د ټولنی په تاریخ کی د لمړنی ځل دپاره د انسانانو طبقاتی نابرابری له مینځه وړی.

سوسیالیستی حقوق او حقوقی افکار چه هغه توجیه کوی د طبقاتی ټولنی له حقوقو او حقوقی افکارو سره له ریښی توپیر لری. په سوسیالیستی ټولنه کی حقوق او حقوقی افکار د خلکو د ګټو مبین دی او د سوسیالیستی اقتصاد یعنی سوسیالیستی مالکیت ساتی او پیاوړی کوی یی، انسانان د قوانینو د مراعات له روح او د وظایفو د اجرا سره سم روزی.

## ۴ – اخلاق

**د اخلاقو ماهیت او په اجتماعی ژوند کی د هغه مقام**

اخلاق یا آداب او رسوم په ټولنه کی د انسانانو د رفتار د موازینو او قواعدو مجموعه ده چه د انسانانو نظریات د عدالت او بیعدالتی، نیکی او بدی، شرافتمندی او ناشرافتمندی او نورو په باره کی مشخصوی. د حقوقو د موازینو توپیر د اخلاقو د موازینو او قواعدو سره پدی کی دی چه په تدوین شویو قوانینو کی د اخلاقو د موازینو او قواعدو هیڅ اثر نشته دی او د هغو ملاتړ یواځی د افکارو، عاداتو او اجتماعی تربیت قوت یا په بل عبارت د انسان د اندرونی عواطفو قوت دی. هغوی د انسان روابط له ټولنی سره، د نورو هیوادونو له خلکو سره له کورنی او نورو انسانانو سره ټاکی.

اخلاق له بشری ټولنی سره یوځای مینځ ته راغی. بشری ټولنه تل خپلو غړو نه معینی مطالبی لری چه د اخلاقی موازینو په بشکل انعکاس کوی، دا موازین ابدی نه دی او د ټولنی له تکامل سره او په تولید کی د تغییراتو تر تأثیر لاندی او تر هرڅه د مخه د تولید د مناسباتو له تغییر سره تغییر مومی. په لومړنی ټولنه کی اخلاقی موازین د ټولنی د ټولو افرادو دپاره یو راز وو. د طبقاتو له پیدایښت سره دا موازین له دغی یا هغی طبقی د ګټو مبین شول او اخلاقو طبقاتی خصلت ومونډ. په هغه ټولنه کی چه په متخاصمو طبقاتو ویشل شوی ده، د استثمارووونکو د اخلاقو تر خوا، د استثماریدونکو اخلاق هم شته دی. سره له دی چه د حاکمی طبقی اخلاق مسلط اخلاق دی، د بردګی په ټولنه کی د برده لرونکو اخلاق تسلط لری، د فیودالی په ټولنه کی د فیودالو اربابانو اخلاق او بالاخره بورژوازی ټولنه کی د سرمایه دارانو اخلاق د دوی په مقابل کی د غلامانو، رعایاوو او پرولترانو اخلاقی موازین او اصول واقع دی.

اخلاق چه د روبنا له عناصرو ځخه دی، د ټولنی د ژوند پر ټولو ارخونو باندی اغیزه کوی او د کار زیار او مالکیت سره د انسانانو د روابطو له لیاری پر اقتصاد اغیزه کوی؛ مثلا مترقی اخلاق، سوسیالیستی مالکیت مقدس او له هر راز تیری ځخه یی مصئون اعلاموی او پدی توګه د سوسیالیزم د اقتصادی بنسټ ځارنه او ساتنه خپل شعار ګرزوی. په عین حال کی اخلاق له سیاست سره مستقیمه رابطه لری: د دولت پر سیاسی عمل د اخلاقو له نظره ځیرل کیږی، د ټولنی غړی یا هغه تاییدوی یا یی مردود بولی. طبیعتا د خلکو د پرګنو له خوا د دغه یا هغه سیاسی عمل اخلاقی تائید د هغه د کامیابی د تامین مهم عامل دی.

پر اوسنی حال کی په جامعی کښی دو ډوله اخلاق د یوبل په مقابل کی ولاړ دی: بورژوازی اخلاق او مترقی اخلاق، د هغو دود هر یوه ماهیت څه دی او هر یو کوم اجتماعی وظایف سر ته رسوی؟ بورژوازی اخلاق چه د بورژوازی امپریالیستی ګټو دفاع پر غاړه لری د ټولنی په تکامل کی ارتجاعی رول لوبوی.

اجتماعی عمده وظیفه یی د سرمایه داری بنسټ یعنی د خصوصی مالکیت او استثمار ساتنه او حفاظت دی.

د بورژوازی خصوصی مالکیت سلطه بورژوازی اخلاق تعینوی چه د انسانانو تفرقی مایه ده او د هغوی د ګټو د لاس ته راوستلو د پاره د یوبل دښمنان او رقیبان ګرزوی. سرمایه دار د ګټی (سود) د تحصیلولو په مسابقه کی ټول انسانی اخلاقی موازین تر پښو لاندی کوی، د هغوی سرنوشت، د هیواد او ټولنی سرنوشت سره لوبی کوی او خپلی شخصی ګټی تر ټولو شیانو لوړی بولی. د بورژوازی اخلاقو اساسی اصل اندیودوالیسم د افراط تر پولی پوری دی. «انسان د انسان لیوه دی»، «هرڅوک د ځان له پاره .» دا دی د بورژازی ټولنی اخلاقی موازین. ښکاره ده چه په هغه ټولنه کی چه خصوصی مالکیت حکمفرما دی او د اخلاقو معیار پیسی دی، په هغه ټولنه کی چه هرشی «عشق، شرافت، وجدان» اخیستل او خرڅول کیږی. نور موازین نشی شته کیدلای.

**مترقی اخلاق:**

مترقی ترین، انسانی ترین او اصیل ترین اخلاق، همدا اخلاق دی چه د ټولنی ټولو ته نږدی اکثریت د غړو د ګټو مبین دی نه د یو موټی استثمارووونکو د ګټو مبین.

مترقی اخلاق، هغه اخلاقی موازین احتوا کوی چه د خلکو پرګنو د استثمارووونکو سره په مبارزی کی یا د اخلاقی مفاسدو په مبارزی کی لاس ته راوستی بیا په تیره د کارګرو طبقی اخلاق چه د معصری ټولنی تر ټولو مترقی طبقه او د نوی مترقی ټولنی هستوونکی ده، د ټولنی ا اخلاقو تکامل او د مترقی اخلاقو د مطالباتو او موازینو په پیدایښت کی لوی اهمیت لری. مترقی اخلاق د سرمایه داری په ټولنه کښی زیږول کیږی، هغی ټولنی کښی چه استثمار او نابرابری په مقابل کښی د پرولتاریا اعتراض د دی اخلاقو بیانوونکی دی. پرولتاریا هڅه کوی چه د انسانی ژوند قواعد چه د سرمایه داری د غلامی نه د آزادو انسانانو متقابل کمک او مرسته، رفاقت، دوستانه روابط بنسټ دی او پیاوړی کړی، مګر په بورژوازی ټولنه کښی د کارګرو د طبقی اخلاق مسلط اخلاق ندی. مترقی اخلاق هغه وخت تسلط مومی چه سرمایه داری ورکه شی او سوسیالیستی ټولنه مینځ ته راشی.

مترقی اخلاق د پرولتاریا د طبقاتی مبارزی د ګټو تابع دی د مترقی ټولنی د سرته رسولو او پیاوړی کولو لپاره مبارزه د مترقی اخلاقو مضمون او هدف دی. د مترقی اخلاقو له نظره هغه څه چه د ترقی خوا ته د ټولنی حرمت ته مرسته رسوی، اخلاقی دی.

د سوسیالیستی ټولنی د هر غړی شخصی رفاه او د ثروت سرچینه، کار او زیار دی. کار او زیار د سوسیالیستی ټولنی د هر انسان وجدانی چاره او وظیفه ده. له دی کبله د ټولنی د رفاه او اسایش دپاره د وجدان له مخی کار او اجتماعی ثروت د ساتلو او زیاتولو دپاره د هرچا کوشش او ځارنه د مترقی اخلاقو د مهمو مطالباتو څخه دی.

**(نوربیا)**

## در شالیزار ویتنام

**در کنار رودخانه مادری افسرده و پریشان می‌گرید.**
**هنوز در صورت او آثار ترس دیده میشود؛ و وحشت مرگ چشمانش را فراگرفته.**
**یک شلیک گلوله زندگی کودکش را از هم پاشیده.**
**یک شلیک گلوله وحشت و مرگ برای او به‌جا گذاشته.**
**ولی مادر بیچاره نمی‌داند که مرگ از کجا می‌آید.**
**از سرزمین نرگس، از رود خانه و یا از آسمان؟**
**او این را نمی‌داند. می‌گرید و در ناامیدی در شالیزار ویتنام بسر می‌برد. آیا یک ویت کنگ است یا یک ویتنامی؟ مادر افسرده این را نمی‌داند!**
**ولی تو ای بیگانه میدانی تقصیر از کیست!**
**(از رافایل چارونه شاعر ایتالوی)**

**داستانی از زمان باستان:**

## پدید آمدن پارسایی در گرمابه پیل پایان

### و از خود رفتن آن پارسا

آورده‌اند که در باستان زمان مردی پارسا را در بلخ بامی ضرورت استحمام افتاد. صبحگاهی که سپیده پگاهی دامن لاجوردی سپهر را نقره کاری کند و پیک سحر با زمزمه نسیم سحر کاری، آن پارسای پاکیزه در جستجوی حمام پوییدن گرفت. اند آنجا حمامی بود مغاک مرگ را مانند، از آن روایات ترسناک و عجایبات وحشتناک گفتندی که شر شرزه را از شنیدن آن زهره آب شدی و دل نریمان از آ «پر اضطراب. تصادف را پارسا به آن تیره مغاک روی آورد و از درب حمام که دهن بلا را مانند بود در حلقوم دهلیز مرگ خزیدن گرفت و سرانجام از تن جامه برکندن. آنگاه که طلب پاکیزگی موجب عریانی شد احساس تنهایی به ناشکیبایی انجامید. رعشه هراس در خون و عروق محتلم دویدن گرفت و دل طهارت طلب راه طپیدن. آخرالامر روشنان هراس زده آن پارسا بر مردی افتاد که در گوشه حمام بکار استحمام پرداخته می‌آمد. دلش اندکی آرامی گرفت و روی به آن آدمک آورد و دید آنچه دیدن را نباید و نشاید. پاهایش در صورت رفیده چون پای پیلان اما اندکی در قاعده گفیده. پارسا که عنان کار و رشته اختیار از دست داده بود از قرار به قرار گرائیدن گرفت و به‌سوی برون دویدن. با نفس سوخته و حواس باخته به‌جامه گاه شد تا تن عریان بپوشاند و راه خانه بپیماید. هنوز فرصت جامه پوشیدن نیاورده بود که خادم حمام پدید أمد و علت آن آشفتگی و سراسیمگی را جویا شد. پارسا با لکنت زبان و کلالت بیان که از وحشت بی پایان در وی پدید شده بود گفت – در حمام مردی را ملاقی شدم که پاهای چون پیلان دارد و شاید از جمع اجنه و دیوان باشد. خادم حمام ازین سخنان چون دیوانگان و مستان غریو قهقه برداشت و ردا حمام از پای برگرفت و گفت این پای مستان است نه پای پیلان و دیوان. پارسا را دز دیدن پیل پای دیگر بزاق در گلو خشکیدن گرفت و روشنان در پهنای روی چرخیدن. جاه برگرفت و چون برق شتابان با تن عریان پا بدهلیز نهاد و بحجره اوستای سلمانی شد تا به بیسامانی خود بپردازد و عروت بپوشاند و به مصاحبت آن دوست پارینه بیم بیکرانه دز دل بزداید. سلمانی چون وضع آشفته آن پارسای از حال رفته بدید از جا برجست و از ماجرا پرسیدن آغاز کرد. آن پارسای بخت برگشته نفس ددر سینه فرو برده آنچه را دیده و گذشتانده بود بدو بازگفت! اوستا تبسم ملیحی بر لبان رانده و آهسته لنگ حمام از پاهای رفیده نما برگرفت. آن هراسیده بینوا توان مقاومت و سلامت فکرت از دست داده و نقش زمین شد. فردا که ماجرای پارسا نقل مجالس آزادگان شده بود، صاحبدلی وارسته فریاد برآورد که ای یاران همدل تا گرمابه های فرسوده پاییده آید بلاهای پیل پای زائیده آید. پارسا یا نرا به‌جای نظافت آفت رساند و در بدل طهارت مصیبت فزاید.

کهنه را بردن و نو را آوردن و از پیل پایان و دیوان رهایی یافتن- این راز را بباید فرا گرفتن.

**سلیمان لایق**

**امروز (دوشنبه ۲۷ عقرب) حکومت موظف بناعلی نور احمد اعتمادی برای کسب رأی اعتماد به ولسی‌جرګه حاضر گردید و عده‌یی از وکلای ولسی‌جرګه بر اساس قرعه در باره حکومت و خط مشی آن سخن گفتند.**
**ببرک کارمل وکیل کابل در نوبت خود از جانب سازمان سیاسی دموکراتیک خلق افغانستان سخنرانی کرد که متن کامل آن را به زبان‌های پشتو و دری در شماره آینده تقدیم خواهیم کرد.**

# تجهیزات نمایشی و مصارف

## سردرگم در مراکز آموزشی ولایت بغلان

اخیراً دو نامه بیک خط از ولایت بغلان، به اداره پرچم مواصلت کرده و نویسنده خواسته است تا آن را به‌منزله شکایت عده‌یی از اهالی وطن‌پرست آنجا به نشر بسپاریم.

در نامه نخست گفته میشود: در آنجا مکتبی بنام جمعیت ابو رجا بغلانی وجود دارد که در آن در حدود پنج صد نفر از شاگردان درس می‌خوانند. این مکتب دارای کتابخانه مجهز به کتب اجتماعی و تخنیکی و همچنان ماشین چوچه کشی، پمپ‌های دواپاشی، شاپ‌های تجارتی و زراعتی می‌باشد. ولی به کمال تأسف این همه چنان از استفاده برکنار اند که گویی برای نمایش گذاشته شده‌اند و از طرف دیگر علی رغم تقاضای فراوانی که صورت گرفته است، هیچ نشد که مقامات مربوط در مورد ارتقای این بنوونځی از ابتدایی به متوسط به اندیشه‌یی تن در دهند. مردم می‌پرسند آیا این‌همه پول که در تهیه کتب و وسایل، ماشین‌ها و شاپ‌ها از حاصل دسترنج خلق فقیر افغانستان به مصرف رسیده، صرف جنبه نمایشی دارد؟ و یا آنانی که دوره ابتدایی را درین بنوونځی بسر میبرند به تکمیل تحصیلات خویش به‌سویه‌های بالاتری نمی‌ارزند؟

در نامه دومی که زیر عنوان «اعتراض معلمین حرفه‌یی بغلان» نگاشته شده می‌نویسند:

سالانه مبلغ شش هزار افغانی از طرف وزارت معارف به غرض انکشاف حرفه‌یی مکاتب نجاری اختصاص داده میشود و اما معلوم نیست که این پول ر کجا به مصرف می‌رسد. وقتی معلمان حرفه‌یی که وظیفه رساندن شاگردان را درین شعبه به عهده دارند، راجع به این مسأله پرسشی بمیان آورند، شدیداً زیر فشار قرار می‌گیرند و به مقامات مربوط به‌عنوان عناصر نالایق و نامطلوب معرفی می‌شوند و بدبختانه مقامات مذکور نیز که در چنین حیف و میل‌ها شریک‌اند بلافاصله به تهدید معلمان شریف و وطن‌پرست می‌پردازند.

# د هیواد د شرقی ولایاتو

## خلک د لوږی، مرض او فقر تیر کالی د افغانستان حکومتونه نشی کولای د خلکو مشکلات حل کړی

د ننګرهار، لغمان او کنړ زیارایستونکی خلک په اوسنۍ پیړۍ، د اتم او راکټ په عصر کی د ابتدایی انسان ژوند په شرایطو کښی واقع دی.

پدی سیمه کی د کروندګری ځمکی اندازه نسبت د نفوسو زیاتوالی ته خورا کمه ده او له بلی خوا همدا کمه ځمکه هم زیاتره د څو محدودو زمین دارانو او خانانو په لاس کی ده، نو ځکه د دی سیمی خلک چه اکثریت یی بزګران دی، د لوږی، فقر او بیکاری په اور کی سوزی او خورا دردوونکی ژوند ګالی.

د غذایی منابعو محدودیت او د غذایی موادو نشتوالی، د افغانستان په اوسنی اجتماعی حالت کی، د دی ولایاتو ورځ تر ورځی زیاتیدونکی مصیبت دی.

د خلکو د فقر او نیستی په نتیجه کی راز راز عضوی عیبونو او مرضونو د خلکو په پرګنو باندی حمله کړیده او دا غمجنه ویر ځپلی سیمه یی د مرضونو په نندارتون بدله کړی ده. دا وضعه د هغو بشاغلو (!) بروکراتانو لپاره ډیره شرموونکی ده چه د همدی ویر ځپلی سیمی په زړه (جلال کوټ) کی د خپلو باغونو او مانیو شاوخوا هره ورځ له لوڅو لږو او رنځورو خلکو سره مخامخ کیږی او بیا هم کولای شی د وطنپرستی په پاک نوم تظاهر وکړی.

لاتراوسه پوری چه انسان د پراخو کایناتو زړه ته ننوت او سپوږمۍ ته ورسید، زمونږ خلک د ابتدایی انسانانو په څیر د حیواناتو څرمنی آغوندی او د غرنیو ونو محصول اخوری.

باید کلکه پاملرنه وشی چه د خلکو پرګنی ورځ پر ورځی بیدارپږی او له حکومتونو نه حساب غواړی. دا حسات د وطن حسات او د هغه د اصلی خاوندانو (خلکو) حساب دی.

لوږه، جهل، زنځ او اسارت نور د ګاللو وړ ندی، مونږ پر هغو وګړو باندی چه دا ټوله بدبختی یی زمونږ پر خلکو تحمیل ګړیده، اعتراض کوو او په دی اعتراض کی د افغانستان ټول زیارایستونکی نمونږ ملاتړ دی.

دا د خلکو آواز دی هغوی ډوډۍ غواړی، صحت غواړی، پوهنه او انسانی آزادی غواړی!

دا غوښتنه دایمی او ژوره غوښتنه ده.

**(م، سنګر)**

# در خم آب دی. دی. تی به پشه

## تبدیل میشود (!)

اهالی خن آب در پهلوی ده‌ها عامل دیگر از قبیل فقر و گرسنگی، بی‌سوادی و جهل، بیدادگری اربابان و متنفذین محلی و بیروکراتان فاسد و شرایط کشنده و ناگوار حیات اجتماعی از هجوم پشه‌های ملاریا که محصول دلدلزارها و باتلاق‌های بی‌شمار این سرزمین است، با مرگ و نیستی دست به گریبان‌اند. مقامات مسؤول در رفع این بلیه، فقط برای عوامفریبی، از دو سال به این‌طرف به یک سلسله تدابیر سطحی اکتفا ورزیده، سالانه مقداری «محلول دی. دی. تی» بدر و دیوار خانه‌های مردم می‌پاشند ولی چون استفاده جویان حتی در فیصدی ترکیب این محلول «چاره گر» نیز دستبردی رندانه می‌زنند، کوچک‌ترین نتیجه‌یی از آن گرفته نمی‌شود. چنانکه مردم میگویند: «در سرزمین ما دی. دی. تی. نیز به پشه تبدیل میشود.» مردم معتقدند که باوجود اینکه به‌سلامت عمل مقامات صحی درین عرصه هم نمیتوان اطمینان داشت، معهذا اگر ازین پودر پاشی‌های عوامفریبانه و بی‌ثمر در خانه‌ها صرف نظر گردد و به کنترول دقیق جبه زارها و باتلاق‌ها توجه گردد، شاید نتیجه‌یی به نفع تامین صحت مردم از آن گرفته شود. آن‌هم در صورتی که دز دستبرد موظفین به فیصدی ترکیب محلول مورد استعمال جلوگیری به عمل آید. در غیر آن؛ همان آش است و همان کاسه!

**س. شیله از خمآب**

(از ص ۴)

## محمد جعفر التایمری گفت ...

و نه از داخل توسط نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی می‌توان نابود کرد. اتحاد شوروی فعالیت‌های جمهوریت دموکراتیک سودان را برای نزدیکی و دوستی با کشورهای سوسیالیستی احترام می‌کند. دولت و مردم سودان می‌توانند به کمک و پشتیبانی وسیع اتحاد شوروی کاملاً امیدوار باشند. »

رییس شورای انقلابی سودان محمد جعفر النایمری در این دعوت اظهار داشت: «دولت سودان که از پشتیبانی عمیق مردم سودان برخوردار است تصمیم جدی دارد راهی را که در پیش گرفته است ادامه دهد. امروز مردم سودان با دو دشمن عمده مواجه هستند که یکی امپریالیزم و دوم ارتجاع است و ما در این دو جهت به حمله آغاز نموده‌ایم.»

صدراعظم و رییس شورای انقلابی سودان افزود: «اتحاد شوروی به مردم سودان کمک می‌کند و با برخورداری از کمک‌های کشور شماست که ملت‌های اسیر در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین به پا می‌خیزند و پرچم آزادی و استقلال را به اهتزاز در می‌آورند». وی راجع به انقلاب اکتوبر گفت که این انقلاب مرحله جدیدی در تاریخ مردم اسیر روی زمین بود و به حق آن را انقلاب خود می‌خوانند.

(از ص اول)

## باید موانع از سر راه ...

احزاب سیاسی در حقیقت عملیست مخالف روحیه قانون اساسی.

علت تعلل این بوده است که آمادگی برای تشکیل احزاب فرمایشی گرفته شود و در برابر ایجاد احزاب سیاسی مستقل دموکراتیک و ترقی خواه موانع ایجاد گردد. در حالی که احزاب در افغانستان به‌سویه‌های مختلف از چند سال به این طرف در کشور وجود دارند.

هرگاه در برابر تشکیل مستقل احزاب دموکراتیک و ترقی‌خواه که اتکا آن‌ها توده‌های وسیع مردم است از لحاظ قانونی موانع و محدودیت‌های ایجاد گردد درین صورت است که هرگونه ادعای مبنی بر وجود دموکراسی در جامعه نقش بر آب می‌گردد و چهره واقعی استبداد و اختناق سیاسی ظاهر میگردد.

برای تشکیل مستقل احزاب سیاسی که انعکاس دهنده منافع اکثریت عظیم توده‌های مردم باشند ایجاب مینماید عناصر و نیروهای ملی و دموکراتیک، ترقی‌خواه و وطن پرست مجدانه مبارزه نمایند.

مشرانوجرگه باید هرچه زودتر ماده واحده مصوبه ولسی‌جرگه که سن شمول در احزاب را سن ۲۰ قبول کرده است، تصویب نماید و به منصه اجرا گذاشته شود وگرنه به سرنوشت قانون پوهنتون ها مواجه خواهد شد.

(از ص اول)

## پنجاه و دومین سالگرد ...

**آنست.**

**انقلاب کبیر اکتبر ملل کشورهای مستعمره و وابسته را بیدار ساخت و امکانات فراوانی را برای مبارزه ملل ستمدیده در راه آزادی و استقلال ملی پدید آورد.**

**هنگامی‌که انقلاب اکتبر در روسیه پیروز گردیده بود، خلق افغانستان نیز خود را از تحت استعمار امپریالیزم انگلیس رهایی بخشید و استقلال سیاسی خویش را بدست آورد. دولت نوبنیاد شوروی اولین دولتی بود که استقلال کشور ما را به رسمیت شناخت و دوستی با مردم افغانستان را گرامی شمرد. لنین دوست گران‌مایه افغانستان پایه گزار دولت شوروی در پیام جوابیه مورخ ۲۶ ماه می ۱۹۱۹ خویش به اعلیحضرت امان الله خان نوشت: «با برقراری مناسبات دایمی سیاسی بین خلق‌های کبیر امکانات وسیع کمک متقابل بر ضد هرگونه سو قصدها و دست درازی‌های غارتگران خارجی نسبت به آزادی و دست آوردهای دیگران گشوده میشود. انیس – شماره ۱۹۶»**

**روابط دوستانه عنعنوی بین افغانستان و اتحاد شوروی به‌وسیله قراردادها و موافقتنامه‌های مهم استحکام یافت و از آزمایش زمان پیروزمندانه برون شده است. دولت شوروی چه در اولین سال‌های پس از استقلال کشور ما با وصف مشکلات فراوانی که خود داشت و چه در سال‌های اخیر برای پیشبرد پلان‌های اقتصادی افغانستان کمک‌های بی شایبه و بزرگ مادی و فنی را مبذول داشته است.**

**سرحد طولانی بین وطن عزیزمان افغانستان و همسایه بزرگ شمالی ما، اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی از آغاز تا کنون سرحد صلح، دوستی و همکاری بوده است.**

(از ص اول)

## ناصر گفت ...

نیست. برای اینکه صلح در شرق میانه به وجود آید دولت اسراییل زمین‌های اشغالی را باز دهد. ما برای تطبیق موافقت نامه نوامبر ۱۹۶۷ تلاش می‌کنیم. ولی متأسفانه این تلاش تا حال به موفقیت نه انجامیده است.

ما جز توسل به قوت دیگر راه نداریم. ناصر تأکید کرد که مبارزه با دشمن دشوار است و به مردان مصمم احتیاج بلکه اسراییل را به ماجراهای جدیدی بر ضد کشورهای عربی تحریک می‌نماید. باز ناصر گفت: »ما تا آخرین قطره خون خود در راه بدست آوردن اراضی از دست رفته خویش مبارزه خواهیم کرد. کوشش می‌کنیم از راه مسالمت آمیز این مسأله را حل کنیم، ولی اعلان می‌کنیم که صلح علامت تسلیم دارد. باید خطری را که در انتظار ماست به‌روشنی ببینیم و برای دفاع از وطن خود دفاع از شرافت و حیثیت خود آماده گردیم. جمال عبدالناصر به تلاش‌های وسیع اوتانت و کنفرانس چهار کشور بزرگ برای رفع بحران شرق میانه اشاره کرده گفت: در برابر ما جز ایستادگی در مقابل دشمن دیگر راهی وجود ندارد. به هر قیمتی که باشد ما از شرف و آزادی خود دفاع می‌کنیم. باید ما در این نبرد دوستان و دشمنان خود را بشناسیم. دوستان ما کسانی اند که بما کمک می‌کنند و اسلحه می‌دهند و دشمنان ما کسانی اند که بدست اسراییل اسلحه می‌دهند و آن را جهت حمله بر ما تحریک می‌کنند.

دقیق‌تر میگویم:

اتحاد شوروی دوست ماست و دولت آمریکا دشمن ما. ناصر در اخیر بیانیه خود اظهار داشت که ما طرفدار ختم بحران شرق میانه از طریق مسالمت آمیز می‌باشیم وقتی تمام راه‌ها را بروی خو بسته یافتیم جز توسل به قوت برای دفاع از خود راه دیگری نداریم.«

(از ص ۴)

## رییس جمهور امریکا ...

بودند که در آن گفته می‌شد «نکسن ما جنگ نمی‌خواهیم ما را فریب ندهید!»

حکومت جمهوری دموکراتیک ویتنام اعلامیه نشر و در آن بیانیه نکسن را «بیان روشن سیاست جنگجویانه و تجاوزکارانه امپریالیستی امریکا، که هدف آن تحقق بخشیدن به اندیشه‌های رهبری جهان، اجرای نقش پولیس جهانی و مختنق ساختن جنگ آزادی بخش خلق‌ها میباشد»، اعلان نمود. در اعلامیه حکومت جمهوری دموکراتیک ویتنام گفته میشود «رییس جمهور نمی‌خواهد به جنگ ویتنام خاتمه دهد بلکه آرزو دارد آن را ویتنامی کند، یعنی به خاطر منافع خودخواهانه گروهی از جنگجویان در ایالات متحده آمریکا ویتنامی‌ها را وادار کند که بر ضد ویتنامی‌ها بجنگند.»

نیکولای پودگورنی صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی در بیانیه که به مناسبت پنجاه و دومین سالگره انقلاب اکتوبر در کرملین ایراد نمود، ضمن اشاره به نطق ۳ نومبر نکسن گفت: بیانیه رییس جمهور ایالات متحده آمریکا نشان داد که متأسفانه هنوز یک برخورد معقول راجع به حل پرابلم ویتنام در محافل حاکمه ایالات متحده آمریکا تسلط نیافته است. وی از ادامه کمک همه جانبه به خلق ویتنام در مبارزه عادلانه‌شان علیه امپریالیزم آمریکا در آینده اطمینان داده اظهار داشت: «انکشافات ویتنام به تأکید نشان می‌دهد یگانه چیزی که برای حل عادلانه پرابلم ویتنام ضروری میباشد اینست که عساکر آمریکایی از ویتنام بیرون کشیده شود و مداخله در امور داخلی مردم ویتنام متوقف گردد.»

**باید زمونږ هیوادپالونکی ملګری دستګیر پنجشیری، هادی کریم، قادر بهیار، عبدالقدوس کارګر، عبدالعلی کارګر، سخی بزګر، فاروق زده کونکی او نور هغه سیاسی بندیان چه د توری دسیسی په اثر او د قانون په خلاف بندیان شوی دی، له بنده خلاص شی!**

# پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک ګوند ارګان خپروونکی

۲۶ عقرب ۱۳۴۸


**درود گرم به خلق شجاع ویتنام که علیه تجاوز امپریالیزم امریکا به خاطر آزادی و استقلال کشور خود قهرمانانه می‌جنگند!**

**خلق قهرمان ویتنام پیروز میشود!**

***

**درود آتشین به خلق‌های که زنجیر استعمار را پاره کرده‌اند و به خاطر تحکیم حاکمیت و رشد مترقی اجتماعی میرزمند!**

**درود پرشور به خلق‌های عرب که علیه امپریالیزم و تجاوز اسراییل شجاعانه مبارزه می‌کنند!**

## انعکاسات پنجاه و دومین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتوبر

### در مطبوعات و محافل جهانی

روزنامه المجاهد چاپ الجزایر تحت عنوان «یک نقطه عطف در تاریخ» می‌نویسد: امروز ۵۲ سال بعد از انقلاب اکتوبر سوسیالیزم در سیاره ما مواضع مستحکمی را بدست آورده است و بسیاری از کشورهای که خود را از اسارت استعمار آزاد ساخته، راه رشد سوسیالیستی را انتخاب نموده‌اند.

روزنامه «البعث» چاپ سوریه در مضمونی تحت عنوان «انقلاب اکتبر در قرن ۲۰ دوران جدید – دوران سوسیالیزم را آغاز نمود» راجع به اهمیت دوران ساز انقلاب پرولتری در روسیه با تأثیر آن بر سرنوشت ملل مشرق، نقش لنین در مبارزه توده‌های کارگر به خاطر آزادی، سعادت و ترقی مطالبی نوشته است.

عبدالرحمن الایریانی رییس شورای جمهوری جمهوریت عربی یمن در ضیافتی که در سفارت اتحاد شوروی در صنعا به مناسبت پنجاه و دومین سال انقلاب برپا گردیده بود اظهار داشت: «ما این سالگرد بزرگ را یکجا با مردم شوروی تجلیل می‌نماییم» ایریانی نقش اتحاد شوروی را در جنبش آزادی‌بخش ملی تمجید نموده اهمیت کمک اتحاد شوروی را به کشورهای عربی در مبارزه‌شان علیه امپریالیزم و رشد اقتصادی آن‌ها بطور خاصی تأکید نمود. وی گفت که «ما هرگز این کمک را فراموش نخواهیم کرد. ما اراده داریم تقویه دوستی با اتحاد شوروی را ادامه دهیم.»

## رییس جمهور آمریکا نمی‌خواهد به جنگ ویتنام خاتمه دهد بلکه می‌خواهد آن را ویتنامی سازد

مردم آمریکا و جهان پس از انتظار طولانی بیانیه موعود ریچارد نکسن را در باره پروگرام های آینده حکومت آمریکا راجع به جنگ ویتنام، به تاریخ ۳ نومبر شنیدند. گرچه در مورد بیانیه نکسن که مبین سیاست آینده حکومت آمریکا راجع به ادامه جنگ ویتنام میباشد، تبلیغات وسیعی صورت گرفت تا اگر ممکن شود که احساسات و هیجاناتی را که بر ضد جنگ ویتنام در مردم آمریکا به وجود آمده فرونشاند و افکار عامه جهانیان را در لابه‌لای تبلیغات فریبنده گمراه سازد. ولی بالاخره معلوم گردید که در بیانیه ریچارد نکسن هیچ مطلب تازه‌یی وجود ندارد که واقعاً به قطع جنگ ظالمانه ویتنام و استقرار صلح شرافتمندانه در آن سرزمین کمک نماید. از آن رو بیانیه مذکور در هر جا با عکس‌العمل منفی مواجه گردید.

سناتور ادوارد کنیدی بیانیه اخیر نکسن را در باره جنگ ویتنام یک بیانیه پوچ و عوام‌فریبانه خواند. وی گفت: اشخاصی که فکر می‌کردند نکسن افق جدیدی را در سیاست شرق دور به میان خواهد آورد، به ناامیدی مواجه شدند.

نکسن در باره جنگ ویتنام چیز تازه‌یی نگفت. وی از سیاستی دفاع کرد که میلیون‌ها آمریکایی بر آن اعتراض دارند. سناتور کندی گفت: مردم آمریکا از آدم کشی در ویتنام به ستوه آمده‌اند. مادران آمریکایی دیگر نمی‌خواهند پسران شان را به کشتارگاه ویتنام بفرستند. نکسن هیچ امیدی به خاتمه دادن به این کشتار نداد و حتی اعلان نمود که در صورت لزوم جنگ ویتنام ادامه خواهد یافت.

سناتور مایک مانس فیلد بیانیه نکسن را توهین به مردم آمریکا خوانده و آن را شدیداً محکوم نمود. سناتور موصوف گفت که مردم امریکا با جنگ ویتنام مخالف‌اند و تنها گروه کوچکی در آمریکا از جنگ ویتنام نفع می‌برند. حکومت نکسن مشغول خاموش نمودن صدای اعتراض مردم علیه این جنگ میباشد.

جیمز ژستن مبصر مشهور امریکا ضمن تبصره بر بیانیه نکسن در نیویارک تایمز می‌نویسد: پس از مباحثه طولانی بر جنگ ویتنام در پایان کار، رییس جمهور نکسن از نقطه نظر کمیته مشترک روسای ارکان حرب آمریکا پشتیبانی نمود. جیمز رستن می‌گوید: نقطه عمده در بیانیه نکسن این بود که وی به پشتیبانی خود از حکومت موجود سیگون ادامه می‌دهد. رستن به تأکید می‌گوید که بیانیه نکسن نخواهد توانست انتقاد کنندگان سیاست او را معتقد سازد که وی راجع به ویتنام از یک سیاست درست پیروی می‌نماید، یا این سیاست به صلح منتج می‌گردد. تضاد اصلی باقیست. بیانیه نکسن تنها کاری که می‌تواند بکند اینست که انشعاب موجود راجع به جنگ ویتنام را در آمریکا عمیق‌تر خواهد ساخت.

آژانس های خبررسانی جهان اظهار می‌دارند که بیانیه نکسن بالخصوص جوانان امریکا را شدیداً متأثر ساخته است. در نیویارک ده‌ها هزار نفر به‌عنوان اعتراض علیه جنگ ویتنام اجتماعاتی تشکیل داده بودند و در لوایحی که در واشنگتن با خود حمل می‌نمودند شعارهای نوشته

(ص ۳)

## آپولوی ۱۲ به فضا پرتاب شد

آپولوی ۱۲ با سه نفر سرنشین آن به‌منظور پیاده شدن بر مهتاب به فضای خارجی پرتاب گردید. طبق پروگرام پیش بینی شده این بار مدت اقامت انسان در کره مهتاب طولانی‌تر خواهد بود و به فاصله بعیدتر گردش خواهد نمود.


تایپ متن: فرهاد بارکزوی
ویرایش جدید: عمر فیض

**مطبعه دولتی**


## د نهرو د بین‌المللی تفاهم جایزه خان عبدالغفار خان ته وسپارله شوه

د ۱۹۶۷ کال د پاره د نهرو د بین‌المللی تفاهم جایزه د مجلو مراسمو په ترڅ کی د پښتونستان ستر ملی مشر خان عبدالغفار خان ته ورکړله شوه. په هغی ستری او شانداری ټولنی کی چه په دغه مناسبت په نوی دهلی کی جوړه شوی وه، د هند د جمهور رییس، د هند د جمهور رییس مرستیال، د هند صدراعظمی میرمن اندرا ګاندهی او زرهاوو نورو کسانو ګډون کړی وو. دغه جایزه چه سل زره کلداری او یوه سپاس نامه لری د هند د جمهور رییس وی. وی. ګیری له خوا پاچاخان ته وسپارله شوه. په دی وقت کی د هند د جمهور رییس، د جمهور رییس مرستیال او صدراعظمی میرمن اندرا ګاندهی له خوا د پاچاخان د ژوندانه د استعمار په ضد د هغه اوږدی او پرله پسی مبارزی او د هندوستان د نیمی قاری په آزادی کی د هغه د ستری برخی په باره کی وینا وکړله. د نهرو د بین‌المللی تفاهم جایزه پخوا شاغلی اوتانت او د امریکی د تورپوستو مشر فقید مارتین لوترکنګ ته ورکړله شوی ده.

## د عقرب د دریمی ورځی مراسم په لشکرګاه کښی

وروستی اطلاعات وایی چه د عقرب د دریمی ورځی په مناسبت د لشکرګاه متعلماتو او متعلیمنو مظاهره وکړه. شاګردانو په اتو بجو د لشکرګاه د لیسی په صحن کښی یوه غونډه تشکیل کړه او بیا د غونډی ګډون کوونکی د مظاهری په توګه د ښار واټونو ته را ووتل.

مظاهره کوونکو دا شعارونه درکړل: مړه دی وی د خلکو دښمنان! مړه دی وی استبداد، ارتجاع او امپریالیزم!

د ښار د فابریکو تر منځ شاګردانو له کارګرانو سره د یووالی شعارونه ورکړل.

مظاهره د عقرب د دریمی ورځی په مناسبت د یو فیصله لیک د لوستلو نه وروسته پای ته ورسیده.

## مراسم ۳ عقرب در ولایت کندز برگزار گردید

برگزاری مراسم یادبود خاطره سه عقرب که اکنون دیگر به سنتی از سنن مبارزات دموکراتیک ضد ارتجاع و استبداد در کشور ما تبدیل شده است، امسال نیز در مرکز و ولایات افغانستان ضمن تظاهرات و میتینگ‌های صورت گرفت، چنانچه برخی از اخبار آن را در شماره گذشته پرچم به خوانندگان خویش تقدیم کردیم.

خبر تازه می‌رساند که خاطره این روز تاریخی در ولایت کندز نیز ضمن میتینگی در صحن لیلیه دارالمعلمین به‌وسیله شاگردان آزادیخواه، طی ایراد بیانیه‌ها و قرائت اشعار جذابی تجلیل گردید.

اشتراک کنندگان در میتینگ ضمن تشریح هدف‌های ضد استبدادی و دموکراتیک قربانیان سه عقرب و برگزاری مراسم یادبود آن، همبستگی عمیق خود را با مبارزان صدیق وطن‌پرست دموکراتیک افغانستان ابراز و چهره‌های واقعی نفاق افگنان در نهضت و عمال ارتجاع داخلی و استبداد را معرفی کردند. آن‌ها تجاوزات اشغالگرانه اسراییل را به تمامیت ارضی کشورهای عربی شدیداً محکوم نموده و عملیات تجاوزکارانه امپریالیزم را در ویتنام تقبیح کردند و میتینگ خود را با شعارهای مرگ بر استبداد، ارتجاع و امپریالیزم خاتمه دادند.

## موج عظیم دیگری از مظاهرات ضد جنگ ویتنام در آمریکا آغاز شد

مردم آمریکا طوری که قبلاً اعلان گردیده بود، روز ۱۵ اکتوبر را به حیث روز اعتراض علیه جنگ ظالمانه ویتنام و همبستگی با خلق ویتنام در سراسر آن کشور با تظاهرات عظیم و شکوهمندی که سابقه نداشت برگزار کردند.

در این تظاهرات بیش از یک میلیون نفر اشتراک ورزیده بودند. در این تظاهرات بزرگ و با عظمت تاریخی که مرحله دوم آن در ماه نومبر آغاز گردید، شخصیت‌های بزرگ سیاسی و اجتماعی آمریکا مانند ایورل هریمن، آرتر کول برک سابق رییس هیئت نمایندگی آمریکا در موسسه ملل متحد و غیره اشتراک کرده بودند.

مرحله دوم تظاهرات ضد جنگ ویتنام بروز ۱۳ نومبر در سراسر ایالات متحده امریکا آغاز گردید، که سه روز ادامه یافت. در این تظاهرات بیش از صد سازمان و دو میلیون نفر اشتراک ورزیده بودند.

در واشنگتن ۴۵ هزار نفر از مقبره ملی آرلنگتن به‌سوی قصر سفید مارش نمودند و در طول راه هزاران نفر دیگر به آن‌ها پیوستند. هر یک از تظاهرکنندگان یک لوحه بر دست داشتند که در آن نام یکی از جوانان آمریکایی که در جنگ ویتنام به قتل رسیده بود نوشته شده بود. وقتی مظاهره به قصر سفید که از طرف هزاران نفر پولیس و عسکر محافظت می‌گردید، رسید ۱۲ تابوت کشتگان جنگ ویتنام را در مدخل قصر سفید گذاشتند.

در دیگر شهرهای امریکا نیز تظاهرات صورت گرفت و در شهر نیویارک تظاهرات با انفجار بم‌ها توأم بود. در پاریس، لندن، آلمان غرب، هسپانیه و دیگر کشورهای جهان نیز تظاهرات به‌عنوان همبستگی با خلق ویتنام و پشتیبانی از تظاهرات مردم آمریکا صورت گرفت. تفصیل تظاهرات در شماره آینده نشر می‌گردد.


**پرچم**

**صاحب امتیاز :** سلیمان لایق — **مدیر مسؤول:** میر اکبر خیبر

**تیلفون:** ۲۳۱۶۴ — د یوی ګنی بیه ۲/۵ - افغانی


## در آن‌سوی پیروزی

**عاقبت ویران کند، ویران کند**
**کاخ ظلم و برج زور و نقش زر، آهنگران**
**عاقبت آن چهرهای سوخته در قلبه گاه**
**عاقبت آن پخته کاران زمین**
**عاقبت آن برده‌های جیره خوار خان ده**
**می‌کنند عصیان و می‌آیند برون**
**همچو سیلی سرکش و توفنده و رزم آفرین**
**در امید خنده صبح سپید**
**در سرای و کاخ و بام ارتجاع**
**لرزه‌های بی‌امان آرد پدید**

***

**رهروان گوید بگوش همدگر:**
**آنکه عمری پای ماشین جان سپرد**
**ضربه دید و ظلم دید و رنجبرد**
**این زمان از هیبت و ایمان او**
**از خروش و جنبش و توفان او**
**بر لب سرمایه‌ها فریاد مرد**

***

**پرچم پیروزی و فتح و ظفر**
**بر سر این توده‌های رنجبر**
**بر سر این مردمان و این گروه**
**می‌نماید اهتزاز و می‌فشاند پرتوی**
**پرتوی از زندگی پرجلال و باشکوه**

**«نبرد آئین»**

## عادی شدن مناسبات بین چین و اتحاد شوروی

### در راه تقویه سوسیالیزم و تمام جنبش انقلابی کمک خواهد کرد

نیکولای پودگورنی صدر هیأت رییسه شورای عالی اتحاد شوروی در اجتماعی که به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد انقلاب اکتوبر در کریملین دایر گردیده بود، ضمن اشاره به نتایج مذاکره بین شوروی و چین که همین اکنون در پیکنګ جریان دارد اظهار داشت که نتیجه مساعد مذاکرات اتحاد شوروی و چین «در راه عادی ساختن مزید مناسبات بین اتحاد شوروی و چین، تقویه سوسیالیزم جهانی و تمام جنبش انقلابی کمک خواهد نمود. ما به مناسبات خود با جمهوریت مردمی چین که بیستمین سالگرد آن در همین نزدیکی برگزار گردید اهمیت بزرگی قایلیم. در نخستین سال‌های بعد از پیروزی انقلاب مردم چین که به کمک اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی اتکا می‌کردند در راه تعمیر مجدد کشورشان به موفقیت‌های زیادی نایل گردیدند.

بدبختانه، در سال‌های اخیر مناسبات بین جمهوری توده‌ای چین و اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بنا بر دلایلی که به همه ما معلوم است خراب شده و وقتا فوقتا بدتر گردیده است. البته این هیچ نوع کمکی به مبارزه ضد امپریالیزم نمی‌رساند و بر علاوه آن برای دشمنان مشترک طبقاتی ما منبع رضایت و خوشی میباشد.»

راکیفلر می‌گوید:

## زمینه ایجاد کیوبای دیگر در سراسر آمریکای لاتین فراهم است

راکیفلر ملیونر معروف امریکا و والی نیویارک چندی قبل بنا به توصیه نکسن به کشورهای امریکای لاتین سفر کرد و راپور مفصلی در ختم مسافرت پر جنجال و پرماجرای خود تهیه و به رییس جمهور نکسن تقدیم نمود. وی در راپور خود به نکسن می‌نویسد: زمینه ایجاد کیوبای دیگر در سراسر آمریکای لاتین فراهم است. او از نکسن خواسته است تا در مقابل خطری (!) که کشورهای امریکای لاتین را تهدید می‌کند کمک‌های نظامی و پولیسی خود را به کشورهای مذکور افزایش دهد. راکیفلر جنبش‌های آزادی‌بخش کشورهای امریکای لاتین را خطر جدی برای امپریالیزم امریکا خوانده است. برای رفاه این خطر پیشنهاد می‌کند یک سازمان مخصوص برای سرکوبی وطن پرستان امریکای لاتین تشکیل شود و حکومت امریکا بودجه قابل ملاحظه در اختیار آن قرار دهد. علت تشویش نلسن راکیفلر که بعد از سفر اخیر به امریکای لاتین بسیار زیاد گردیده این است که مذکور در (۱۳) کشور امریکای لاتین سرمایه وسیعی را به کار انداخته است و مفاد سرشاری از این راه به دست می‌آورد.

محمد جعفر التایمری گفت:

## مردم سودان امروز با دو دشمن عمده روبرو هستند:

پودگورنی صدر هیئت رییسه شورای عالی اتحاد شوروی در دعوتی که به‌افتخار رییس شورای انقلابی و صدراعظم سودان محمد جعفر نایمری در کرملین ترتیب داده شده بود، بیانیه‌یی ایراد کرد. پودگورنی گفت: دولت و مردم شوروی در آینده کوشش خود را در راه رشد دوستی و توسعه مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با جمهوریت دموکراتیک سودان افزایش خواهد داد. پورگورنی گفت: مبارزه مشترک علیه امپریالیزم و استعمار کشورهای سودان و شوروی را بهم نزدیک می‌کند. مناسبات هردو کشور بر اساس حقوق برابر و احترام متقابل برقرار گردیده است. او گفت که حوادث انقلاب ماه می گذشته در سودان نتیجه تکامل سریع و اجتناب ناپذیر جریان جنبش‌های آزادی‌بخش ملی میباشد که در کشورهای در حال رشد آغاز گردیده است. این جنبش را نه خارج توسط قوت‌های امپریالیستی

(ص ۳)